

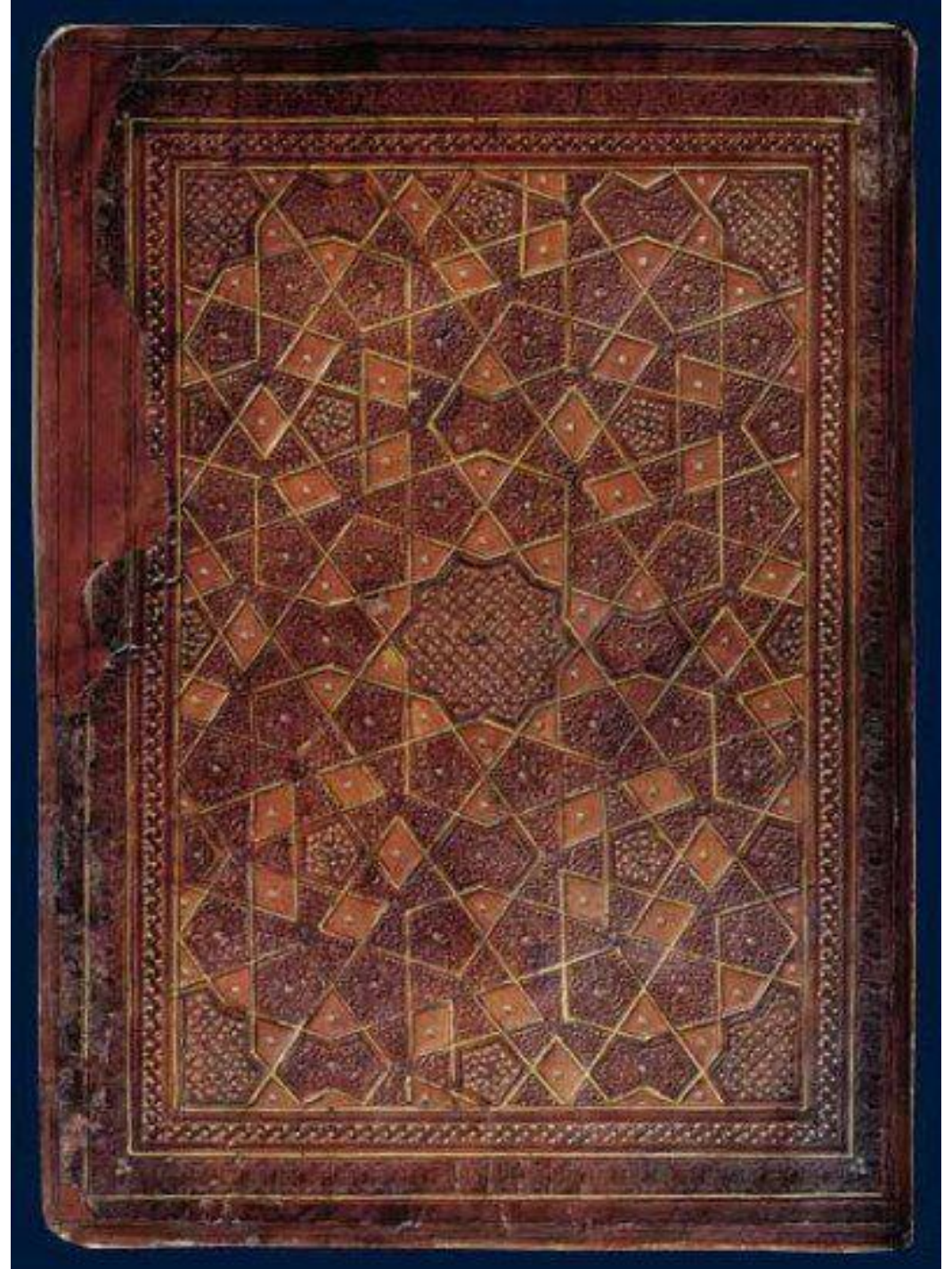
هنر وراقی

- وراق به معنی کاغذبُرنده، کاغذ فروش، گُراسه‌نویس، صحاف، کاتب، و نویسنده است
- وراق در واقع کسی است که کاغذ را می‌بُرد و ورق می‌سازد. وراق‌ها گاه با موی اسب و گاهی با ناخن خود یک ورق را دو حصّه (قسمت) می‌کردند. چون کاغذ گرانبها بود، وراق در بریدن آن صرفه‌جویی می‌کرد و مهارت خود را در قطع و برش کتاب‌ها نشان می‌داد و از این‌روست که این فن از هنرهای ظریف محسوب می‌شود

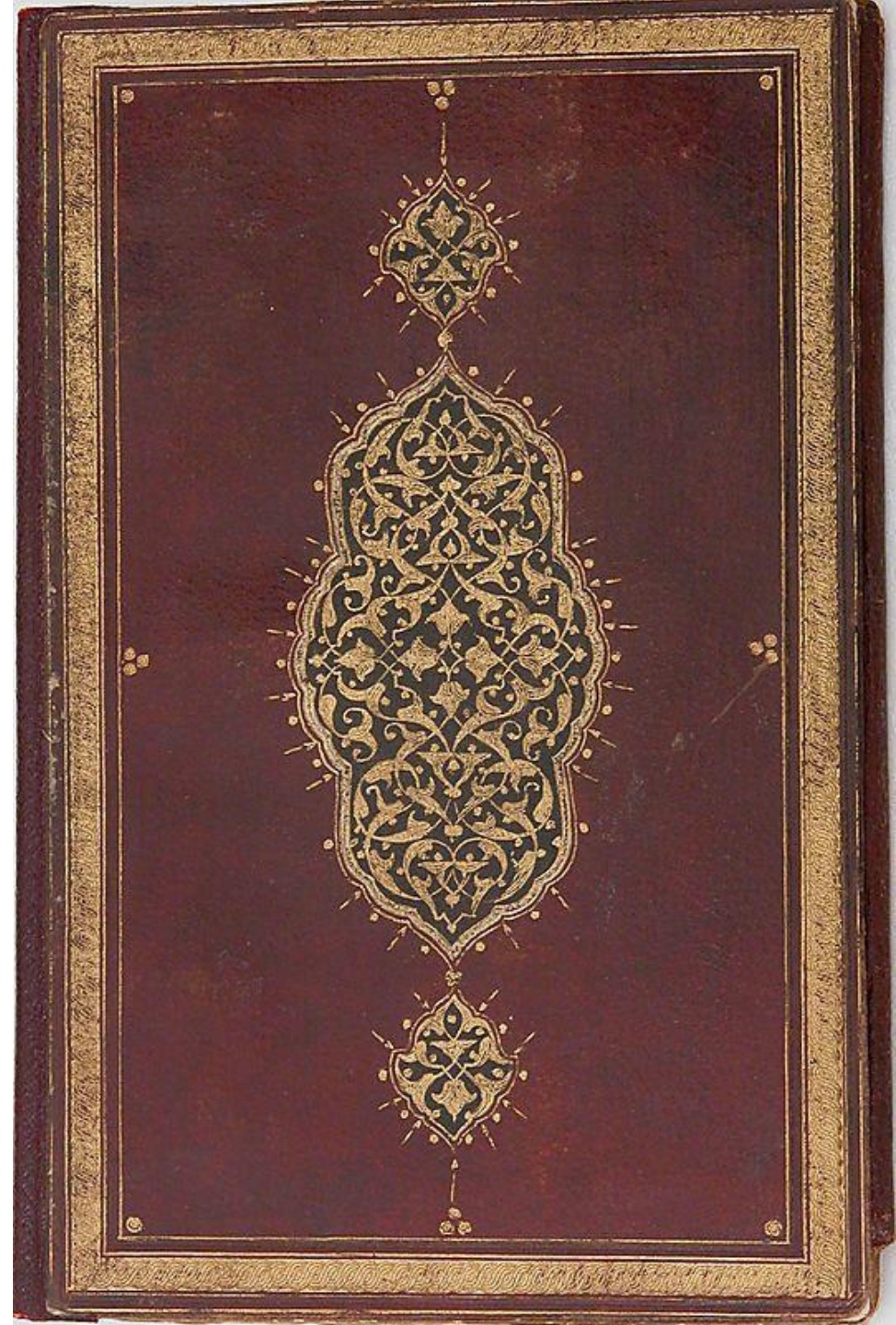
صحافی و وراقی عربی بسیار ساده‌تر و کم آرایه‌تر از
نمونه‌های فارسی و ترکی بوده است. قرآن‌های نفیس از
دوره مملوکیان مصر که هم‌اکنون در موزه ویکتوریای لندن
نگهداری می‌شود، از نمونه‌های عالی این هنرها محسوب
می‌شود

از جمله مهم‌ترین کشورهایی که در وراقی سرآمد بوده‌اند،
مصر، ایران، ترکیه، هند، عربستان، و یمن هستند. هر یک
از این کشورها از لحاظ شیوه کار، ویژگی‌های خاص خود
را داشتند

هنر تجلید که بخشی از وراقی است، در قرون اولیه میلادی
در اروپای غربی رواج یافت. اما در شرق نمونه‌هایی زیبا
از این هنر پیش‌تر خلق شده بود. در کشورهای آسیایی
غیراسلامی از جمله تبت، نپال، برمه، تایلند، چین، و ژاپن
نیز این هنر وجود دارد



صحافی و وراقی در ترکیه ترکیبی از شیوه ایرانی با
نوآوری‌های اسلوب ترکی است و پیشینه آن به قرن
هفدهم برمی‌گردد. در قرن نوزدهم تأثیر و نفوذ غرب در
هنر کتاب و کتاب‌آرایی، به‌ویژه در صحافی، اثر نهاد.
البته صحافی ترکی نسبت به صحافی ایرانی تنوع کمتری
دارد. کتاب‌آرایی و هنرهای تجلید و صحافی در هند نیز
شباهت بسیاری به اسلوب ایرانی دارد



وراقی از مشاغل شریف بوده است و چون به تکثیر نسخه‌های قرآن نیز کمک می‌کرد، پراهمیت تلقی می‌شد. وراق‌ها علاوه بر نسخه‌برداری از کتاب‌ها و گاه تصحیح و تجلید آنها به فروش کاغذ نیز می‌پرداختند. در بعضی از کتب که وظایف پیشه‌وران را در حکومت اسلامی تعیین کرده‌اند، در باب وظیفه وراق یادآوری شده که آنان نباید کاغذ را به کسی که احتمال می‌دهند از آن استفاده غیرشرعی کند - به‌طور مثال فردی که از کاغذ در تهیه شهادت‌نامه دروغین یا نوشتن سخنان و مطالبی علیه دین بهره‌برداری نماید - بفروشند.

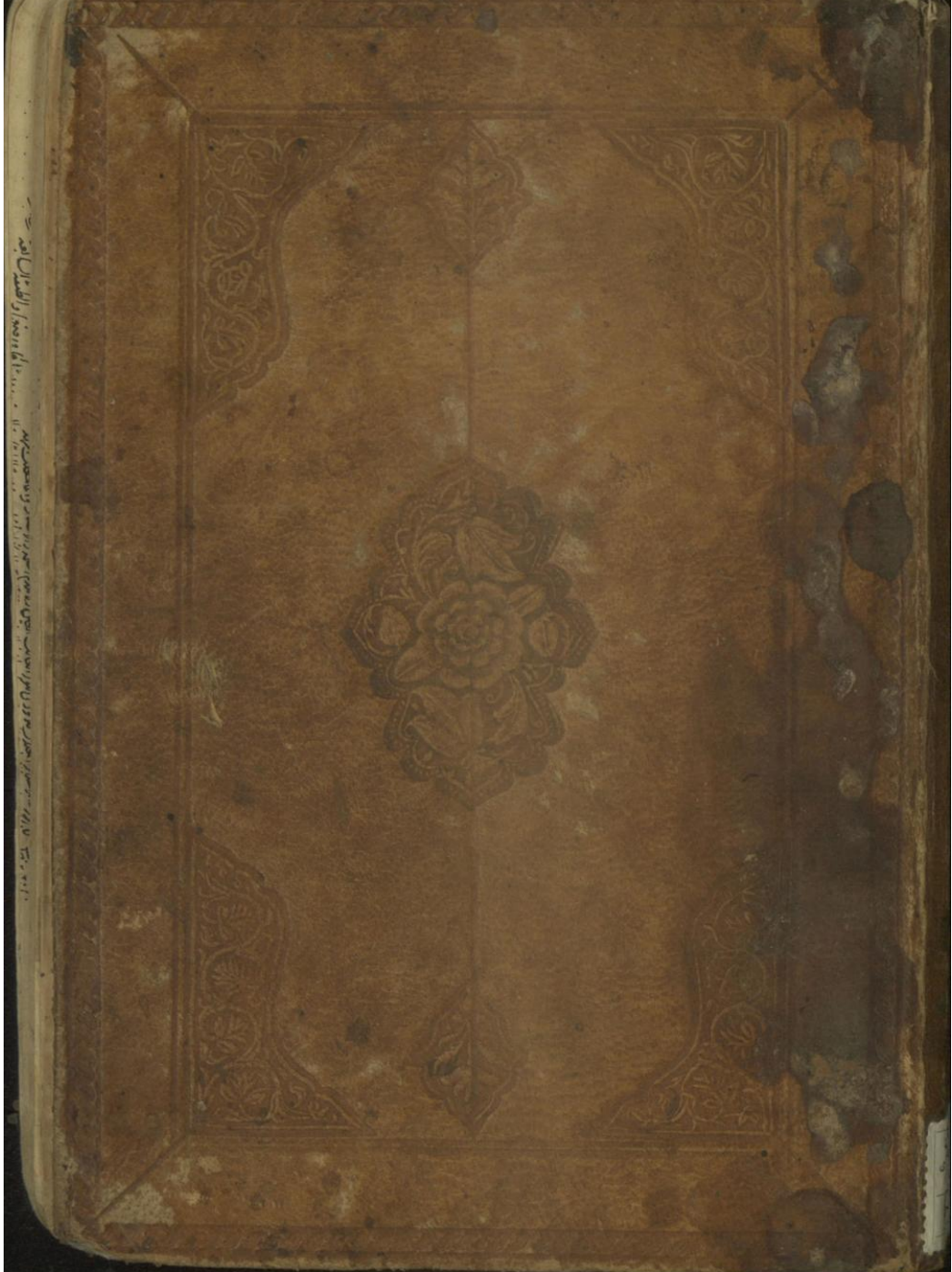
معمولاً عده‌ای زیر نظر وراقان کار می‌کردند و تهیه و وثیقه‌ها (اسناد) و عهدنامه‌های مردم توسط ایشان انجام می‌شد. بعضی از وراقان بیشتر امور کتاب‌پردازی را شخصاً انجام می‌دادند، بدین ترتیب که نسخه‌ها را کتابت، تزئین، تجلید و وصالی کرده و خود نیز به فروش آنها اقدام می‌کردند. این گروه معمولاً صاحب دکانی بودند که محل تجمع ارباب فضل و ادب بود

صحافی را باید بخشی از حرفه وراقی دانست. به عبارت دیگر وراقان در قرن‌های نخستین اسلامی به‌کار صحافی و مجلدگری نیز می‌پرداختند و وراقی و صحافی تا قرن‌ها علاوه بر تجلید و کاغذگری، به استنساخ و تصحیح کتاب‌ها نیز اطلاق می‌شده است

قدیمی‌ترین جلد کتاب در دوره اسلامی متعلق به مصر است که متعلق به قرن دوم هجری است. از آثار موجود در موزه های داخلی و خارجی و همچنین مجموعه های خصوصی چنین استنباط می شود که تا بعد از دوره سلجوقیان، کلیه کتاب های خطی ایرانی دارای جلد چرمی ساده یا ضربی و فاقد هر نوع تزئینات اسلیمی بوده است.



در دوره **ایلخانیان** مغول نیز که شهر هرات مرکز عمده تحقیقات و تألیفات بوده، جلد کتب عادی معمولاً چرمی ساده یا ضربی بوده و برای تزئین کتب علاوه بر نقوش اسلیمی، از خطوط ختایی نیز استفاده می کردند و ظاهراً تا آن زمان ساخت جلد های **روغنی** در ایران رواجی نداشته، ولی اسناد معتبری در دست است که نشان می دهد این هنر از دوره صفویه به ایران راه یافته و به موازات سایر انواع صنایع دستی شکل گرفته و متکامل شده است.



صحافی قرن نهم

- قرن نهم هجری، مصادف با قرن پانزدهم میلادی، دوران حکومت تیمور و جانشینان اوست که به رغم فراز و نشیب های فراوان در عرصه سیاسی و اجتماعی و وقوع جنگ ها و نزاع های بسیار، نزد صاحب نظران و محققان، دوره رشد و اعتلای هنرهای گوناگون، به ویژه هنرهای نسخه پردازی و کتاب آرایی به شمار می رود. مرکز ثقل این حرکت هنری، سرزمین پهناور **خراسان** و کارگاه های هنری موجود در کتابخانه هاست.
- بررسی متون تاریخی موجود نیز نشان از اهمیت کار و جایگاه والای این گروه از هنرمندان نزد دربار شاهان و شاهزادگان تیموری دارد.

ابتکارات صحافان و مجلدان در آفرینش جلدهای **معرق** و کاربرد تکنیک های جدید در **تزئینات داخل و روی جلد** و همچنین استفاده از نقوش تزئینی جانوران و گیاهان به صورت ترنج و گل و گیاه و حیواناتی چون عنقای چینی است. قسمت خارجی جلد معمولاً دارای تزئینات فشاری است و بخش های داخلی، طرح های بریده شده روی زمینه آبی قرار دارد.

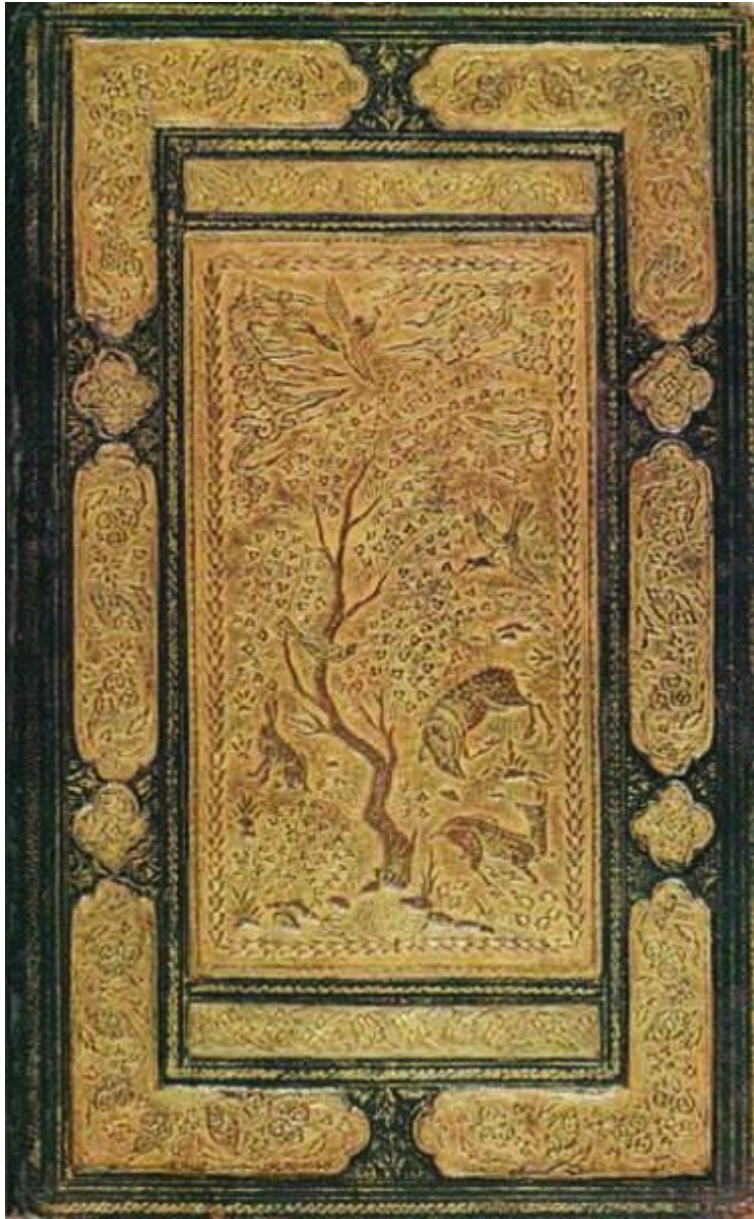
غیر از هرات، مشهد، سمرقند، مرو، بلخ، نیشابور، شیراز و تبریز نیز از مراکز این فن بوده اند.

سیاحان و مبلغان غربی، با آوردن کتب مقدس خود که با هنر صحافی تزئین یافته بود، باب نوینی را در پیش چشم هنرمندان شرق باز کردند. در سرزمین های اسلامی، تجلید، در ابتدا همانند خاستگاهش در خدمت کلام وحی بود. با گذشت زمان، این هنر در بین عوام راه یافت و کتب ادبی و علمی را نیز مشمول ظرایف خود ساخت. هنرمندان مسلمان از به کار بردن چوب در جلدسازی پرهیز و در عوض از ماده چرم به بهترین شکل استفاده کردند.

جلدهای زیرلاکی در تکامل این هنر ظهور یافتند و آثار متقدم با روکش های مقوایی و نقاشی زیرلاکی و پشت جلد چرمی، از نبوغ و حوصله هنری خالقشان خبر می دهند. اوج هنر تجلید در ایران، سده نهم هجری در شهر هرات بود. گرچه با حمله تیمور، اوضاع سیاسی کشور دستخوش دگرگونی و تغییر شد ولی علاقه حاکمان تازه به هنر، حمایت ایشان را از فن تجلید سبب شد. تیمور خود صحافان و جلدکارانی را از سوریه و مصر به سمرقند آورد و در دربار خود پذیرا شد. جانشین او، شاهرخ، وقت بیشتری برای این هنر گذاشت و با دعوت از هنرمندان برجسته به هرات اسباب و وسایل را در اختیارشان نهاد و موجب اعتلای این هنر گشت.

ویژگی صحافی و جلدآرایی هرات در چند نکته قابل ذکر است

- ۱ (ذوق و سلیقه بی نهایت صحافان در رعایت تناسب و توازن در ترکیب بندی و انتخاب و ترکیب رنگها
- ۲ (تمام فنون وابسته به این هنر، اعم از آماده سازی چرم، نقاشی و... در استادانه ترین حالت خود انجام می گرفت.
- ۳ (طراحی جلد‌های این دوره از نظر استحکام و انسجام، منحصر به فرد بود.



هنرمندان هرات، نه تنها در شگردهای بهره
گیری از آرایه های هندسی و نقوش اسلیمی
مهارت داشتند بلکه موفق شده بودند که از هنر
تشعیر (طبیعت گرایی) که از خاور دور وارد
شده بود، نهایت استفاده را ببرند.

در این دوره، اکثر جلدها از چرم قهوه ای،
طلاکوب یا مهرکوب، ساخته می شد. ریزنقش
ها با مهرکوبی انجام می گرفت و خطوط کلی
حواشی طلاکوب می شد.

صفوی

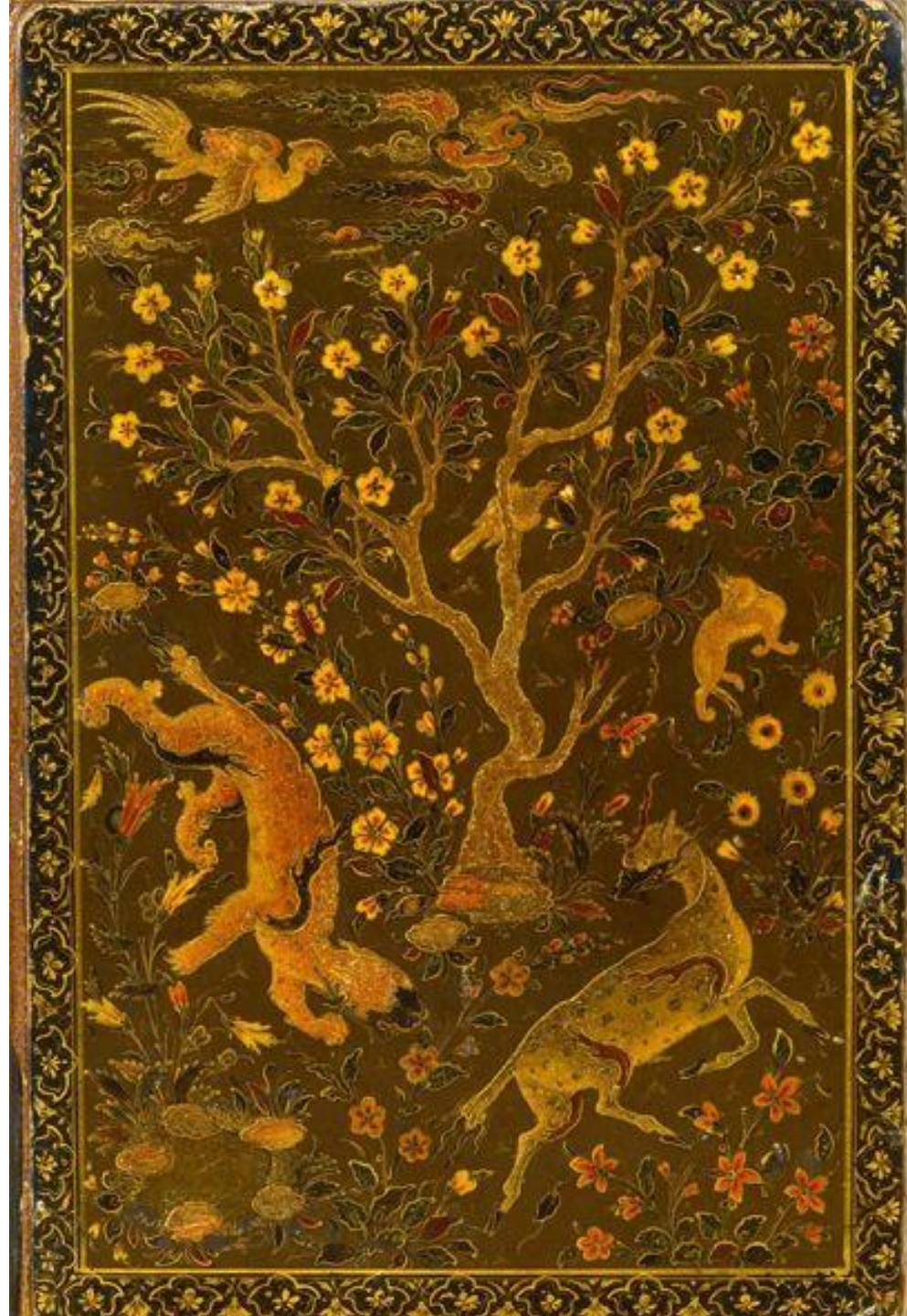
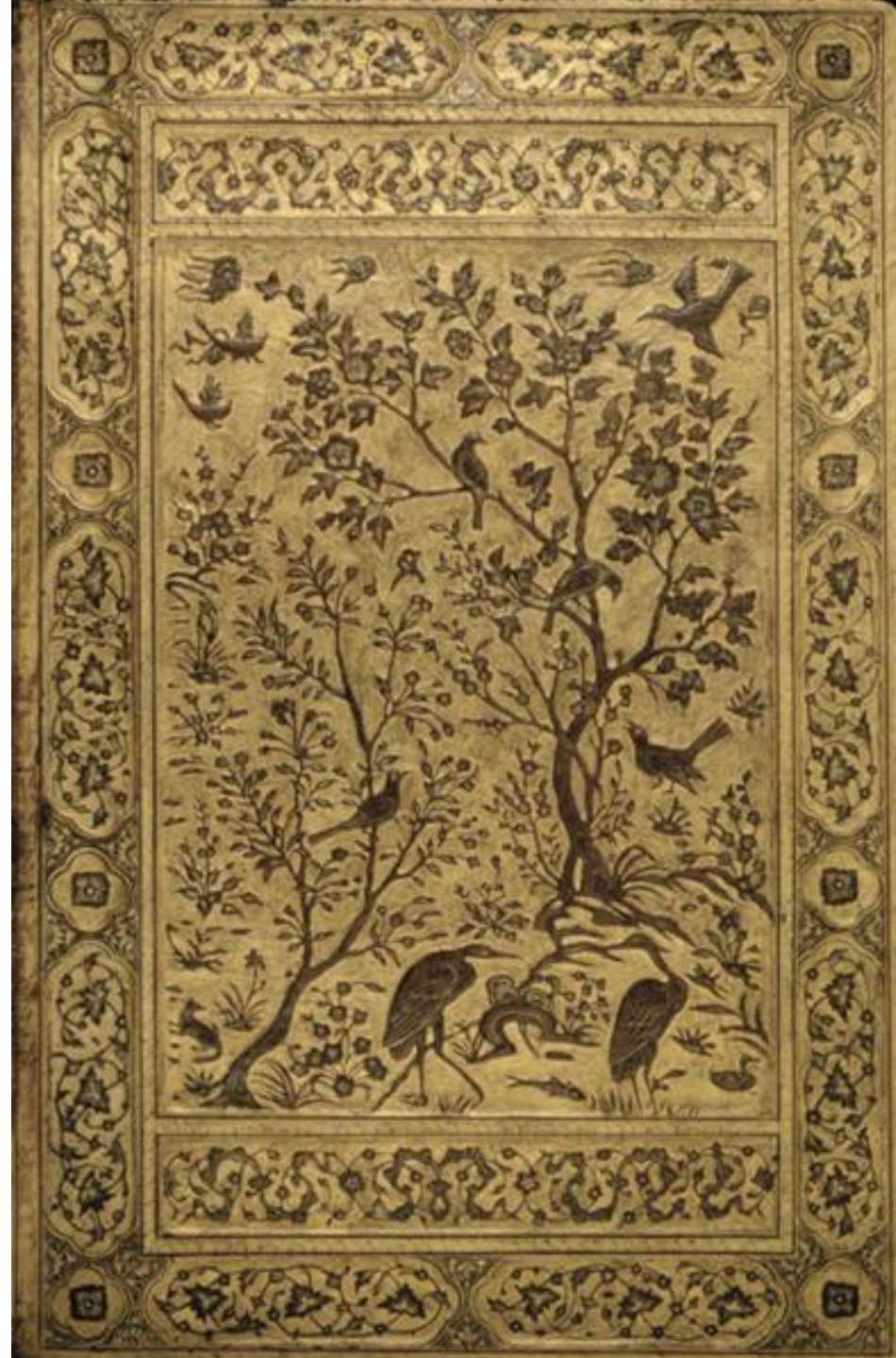
- با ظهور سلسله صفوی علاوه بر تحولات سیاسی، رویکرد فرهنگی نیز دستخوش تغییر شد. جلد‌های این دوره در حاشیه خود از نقش ترنج، شاخه تاکی و نقوش ابرچینی استفاده می کردند. در این دوره محتوای کتاب، مشخص کننده تزئینات روی جلد بود. بر روی جلد قرآن‌ها از سوره هاو آیاتی که بر مطهر بودن کتاب گواهی می دادند استفاده می شد و در کتب ادبی، ابیات، معرف محتوای آنان بود. همکاری صحافان و نقاشان به پدید آمدن جلد‌های لاکی انجامید. جلد‌هایی که اساساً چرمی بودند، رنگ را به سادگی در زمینه خود نمی پذیرفتند.

از این رو، مقوایی که از بهم چسباندن لایه های کاغذ ساخته می شد جای چرم را گرفت. برای استحکام این مقوا، در لبه های آن از نوار چرمی استفاده می شد. در این روش، مقوا را با سنگ گچ، خوب صیقل می دادند و طرح به وسیله نقاش با آبرنگ بر آن نقش می گرفت. پس از خشک شدن آن را با چند رویه از لاک شفاف می پوشاندند تا تثبیت شده و نقاشی را حفظ کند.

در روزگار صفویه، جلد کتاب و اشیاء دیگری که از **پایپه ماشه** ساخته می شد به تدریج وارد تبریز شد و با انتقال مرکز قدرت و کانون اسلوب های هنری از قزوین به اصفهان، رواج همگانی یافت.

قزوین و اصفهان مرکز عمده تولید محصولات «روغنی» بوده و نقوش مجالس شکار، رزم و تذهیب با خطوط اسلیمی و ختایی فرآورده های تولیدی را زینت می داده است.

در اواخر این دوره، نقش گل سرخ و گل و برگ های سایه دار طبیعی در پایپه ماشه اصفهان جایگاه خاصی داشته و در دوره زندیه به اوج کمال رسیده و در دوره قاجاریه و پس از آن، در عصر حاضر نیز ادامه یافته است.



در زمان شاه طهماسب جلد لاکی معمول بود. این نوع جلد تا دوره قاجاریه مورد استفاده قرار می گرفت. نقوشی که در این دوره استفاده می شد گل و مرغ بود. از دیگر روشهای تجلید در دوره قاجار کاربرد مخمل و مخمل طلاکوب می باشد.

اگر نقاشی زیر لاکی ایرانی را به نقاشی آبرنگ بر روی لایه های به هم چسب خورده کاغذ، تخته یا خمیر کاغذ و پوشش یافته با لایه های پیایی جلای شفاف، تعریف نمائیم در آن صورت نخستین نمونه های موجود و قابل تاریخ گذاری از نقاشی زیر لاکی را باید در جلد آرایه های دوران **تیموری** و **صفوی** بیابیم. نقاشی زیر لاکی زینت کاری آغازین شباهت نزدیکی به جلد سازی های چرمی آن دوره ها داشت، ضمن اینکه نقاشی زیر لاکی نیز در ابتدا به صورت اسلوبی تلفیق یافته با چرم مهر خورده و طلاکوب (بدان گونه که در صحافی معمول بود) اجرا می شد.

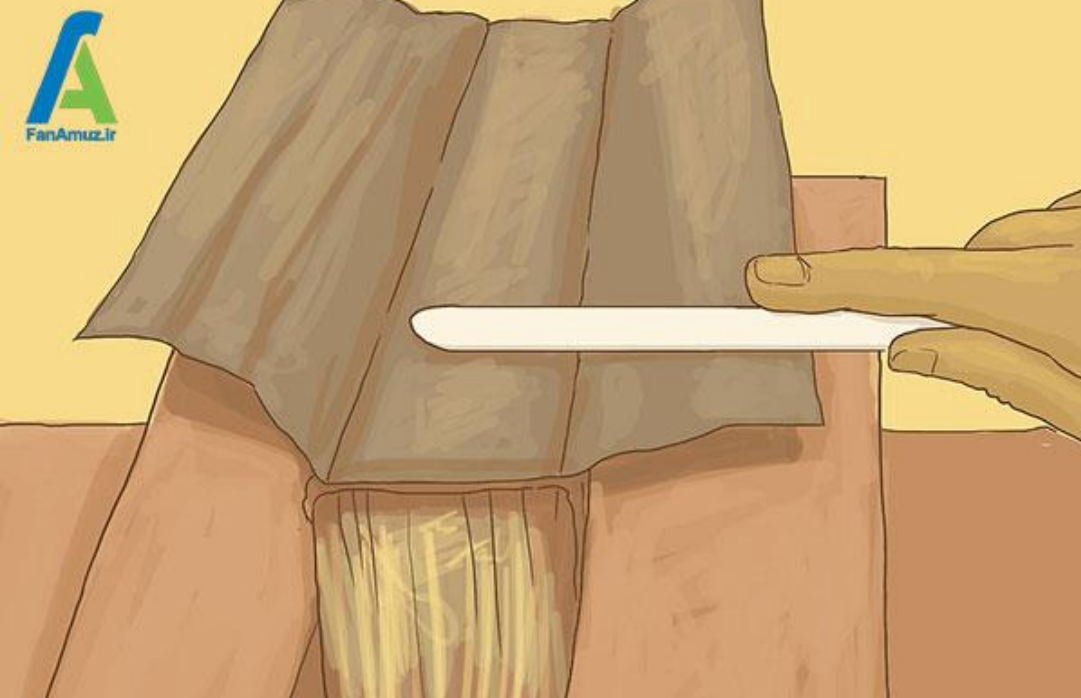
صحافی و جلدسازی

- ارزش گذاری معنوی بر يك كتاب، پس از خطاطی و تذهیب و نقاشی، با صحافی و جلد کردن آن کامل می شود. جلد کتاب در ضمن اینکه حافظ اوراق کتاب است، با منقوش ساختن آن ارزش کتاب را بیشتر جلوه گر می نماید. در گذشته برای جلد کتاب بیشتر از جلد چرم استفاده می شده، زیرا چرم هم خاصیت شکل پذیری دارد و هم با دوام است. غالباً روی قسمتهای مختلف جلد کتاب کار می کرده اند، یعنی پوشش بیرونی جلد (پشت جلد)، پوشش داخلی جلد (آستر) و عطف جلد و گاهی نیز روی زبانه جلد که روی جلد تا می شود.
- بهترین ملاك تقسیم بندی جلد، جنس آن خواهد بود که می توان آنها را به هفت دسته تقسیم کرد. لازم به یادآوری است که برخی از آنها به اقسام فرعی تر قابل تقسیم می باشند:

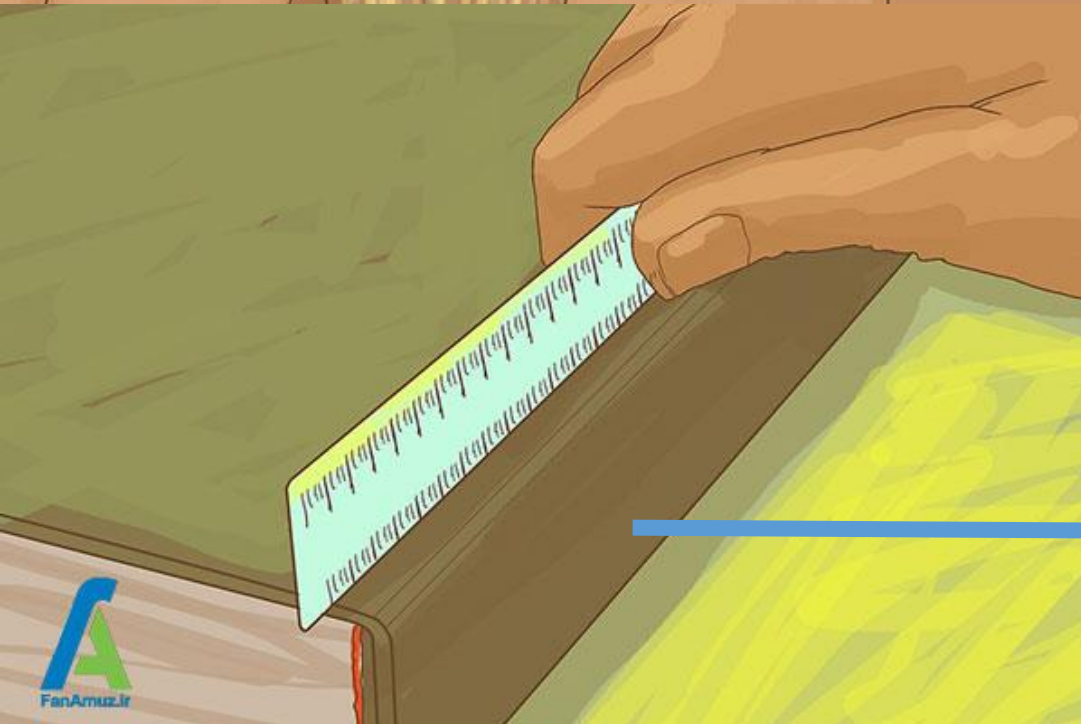


جلد چوبی: از چوب‌های نسبتاً نازکی ساخته می‌شده است و روی آن لاک یا رنگ و روغن کشیده می‌شده. این نوع جلد‌ها بیشتر در جلد مصاحف شریفه دیده شده است.





جلد مقوائی: شامل جلدهائی که از جنس مقوا ساخته شده باشد و عموماً جلدسازان برای دوام بیشتر این نوع جلد از روکش‌های مختلف مانند: چرم، پارچه، رنگ و روغن استفاده می‌کنند. گاهی اوقات کتابسازان بعدهای جلد مقوائی را سجاف نازکی از چرم می‌کشیدند که اصطلاحاً به «**جلد مغزی**» معروف شده است.



مغزی

جلد چرمی: چرم عنوان نسبتاً کلی است برای جلدهائی که از پوست دباغی شده حیوانات ساخته می‌شد و شامل اقسام زیر است:
تیماج: پوست بز دباغی شده است.

میش (میشین): برخی جلدسازان به ندرت از پوست دباغی شده میش (گوسفند) جلد کتاب می‌ساختند که بسیار نرم و لطیف است.

ساغری: جلدهای بسیار بادوام و مستحکم که از چرم دباغی شده کفل چهارپایان بخصوص الاغ و استر ساخته می‌شده است و دارای برجستگیهای دانه مانند نسبتاً درشت می‌باشد که بعضاً بر روی آن کارهای هنری مانند: ضربی، سوختکاری و... انجام می‌دادند. ضمناً به دلیل کراهت جنس آن برای جلدهای مصاحف شریفه استفاده نمی‌شده است.

شبرو (شورو): به معنای بز غاله، پوست بز غاله و یا پوست نازك گوساله است که جلدسازان عصر قاجار برای روکش جلد از آن سود برده‌اند.

پارچه: بعضی جلدسازان دوره صفوی به بعد برای روکش جلد‌های مقوایی از پارچه‌های ساده و غیر آن استفاده می‌کردند. در برخی موارد نیز برای استحکام بیشتر عطف و گوشه‌های آن را بوسیله چرم استوار می‌نمودند.

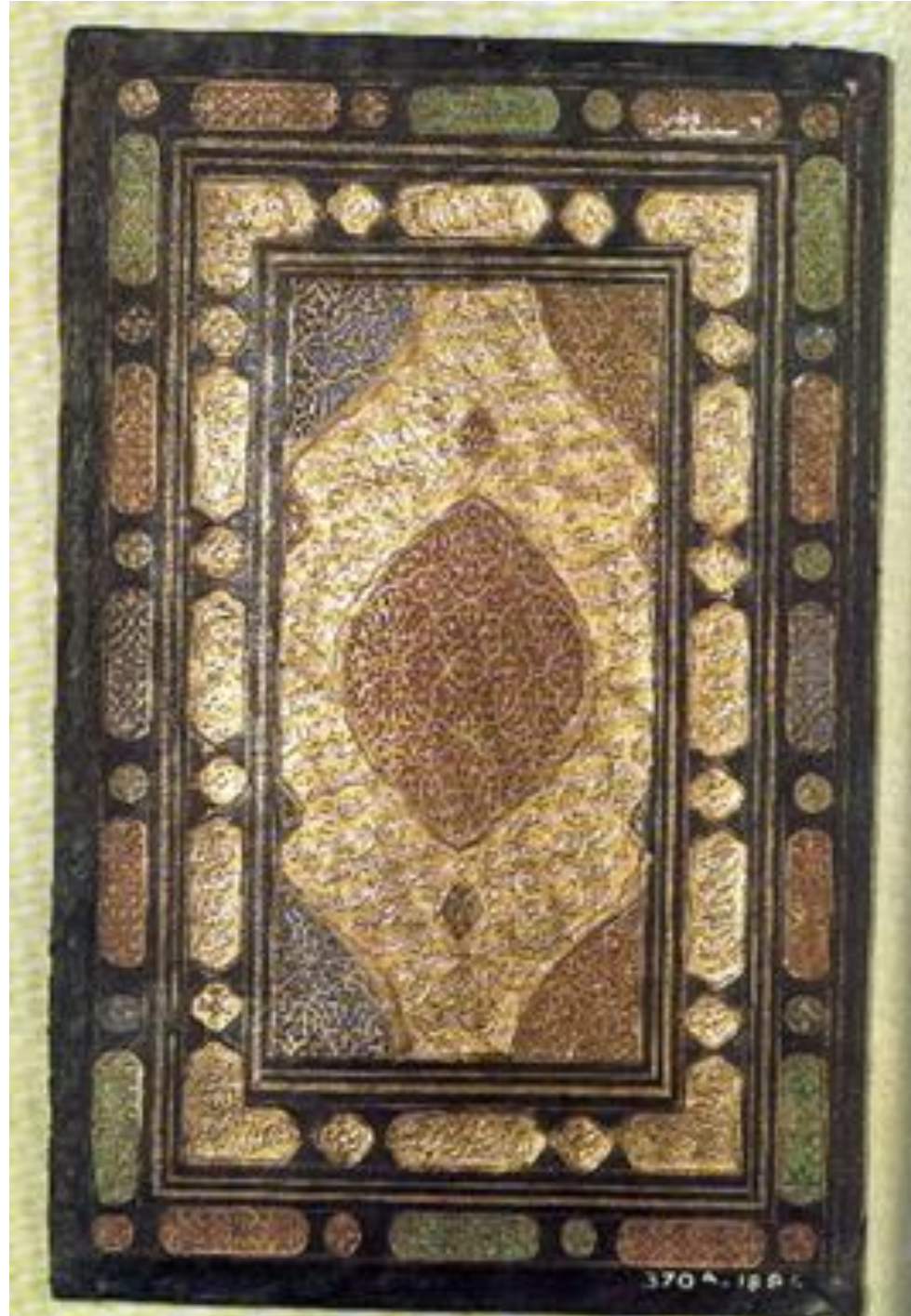
جلد زری: روکش آن توسط زریبافان و نقشبندان ماهر دوره صفوی به بعد از پارچه زری بافته شده باشد.
جلد مخملی: جلد‌هایی که از پارچه مخمل برای روکش مقوا استفاده شده باشد و از قرن سیزدهم بیشتر شایع گردیده است.

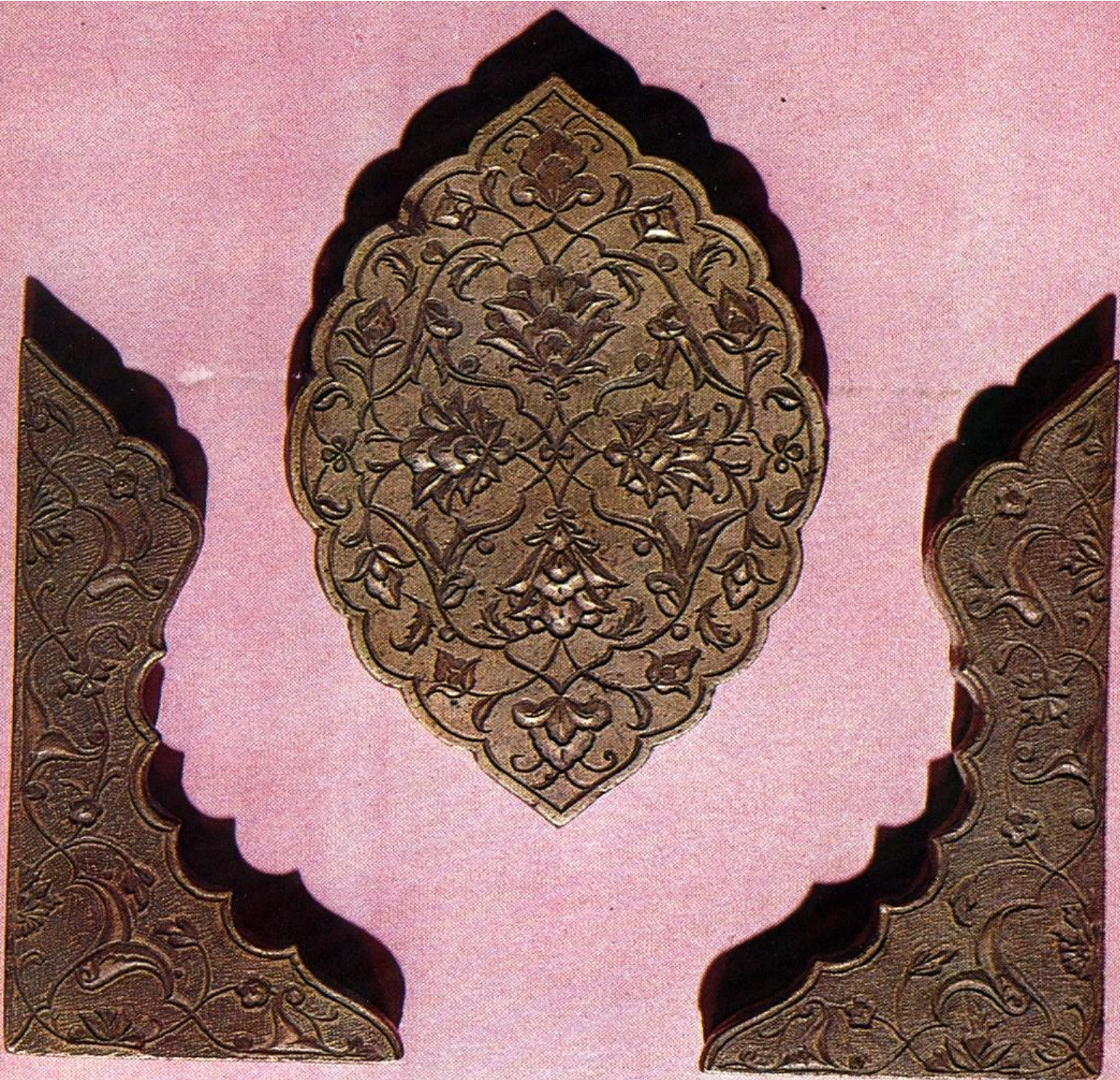
جلد ترمه: برخی جلدسازان عصر زندیه و قاجاریه به بعد برای روکش جلد دیوان‌ها، بیاض‌ها، نسخه‌های ادعیه از ترمه منقش به اشکال بوته جقه یا خطوط پهن حاشیه‌مانند، استفاده می‌نمودند.
کاغذی: برخی کتاب‌سازان دوره قاجار و بعد از آن برای روکش جلد مقوایی استفاده می‌نموده‌اند که طبعاً به دلیل سستی کاغذ، عطف کتاب را حتماً با پارچه محکم می‌ساختند.

فرنگی: در دوره متأخر، همگام با اختراع صنعت چاپ، جلدسازان برای روکش مقوایی بعضی جلد‌های نسخ خطی از گالینگور و مشمع استفاده می‌نمودند.
جلد‌های هنری: جلد‌های هنری که نتیجه نبوغ، ابداع و نوآوری جلدسازان بلاد اسلامی است، شامل جلد‌هایی است که به نحوی دارای ظرافت‌های هنری ویژه‌ای هم باشند. اهم آنها برحسب ظهور و رواج در تمدن اسلامی عبارتند از:

جلد ضربی

- جلد‌های ضربی یا کوبیده یا منگنه، از جمله جلد‌های بسیار معمول برای کتابهای فارسی است. طرز ساختن این جلد به اینگونه است که جلدساز نخست دو قطعه فلز برنجی (که اصطلاحاً يك جفت نر و ماده نامیده می‌شود) فراهم می‌آورد و نقوش مورد نظرش را با الوان توسط قلم‌مو و یا با مداد بر قطعه‌های برنجی مذکور می‌کشد. سپس استاد قلمزن آن را حکاکی کرده و بوم فلز را از قسمتهای منقوش جدا می‌کند. سپس فلز نقشدار را به قدر نیاز داغ کرده و با ضرب و چکش، آن را بر روی چرم (که روکش جلد است) و قبلاً در آب نهاده و نم برداشته می‌کوبد، بطوری که نقوش آن دو قطعه فلز، بر اثر ضرب بر روی چرم، فرو رفتگی و برجستگی بوجود می‌آورد. پس از آن مواضع فرو رفته را با ورقه‌های طلا یا نقره و یا چرمی غیر از نوع چرم زمینه پر می‌کند. نقوش برجسته را گاه با همان رنگ اصلی می‌گذاشتند و گاه با الوانی دیگر می‌آراستند.





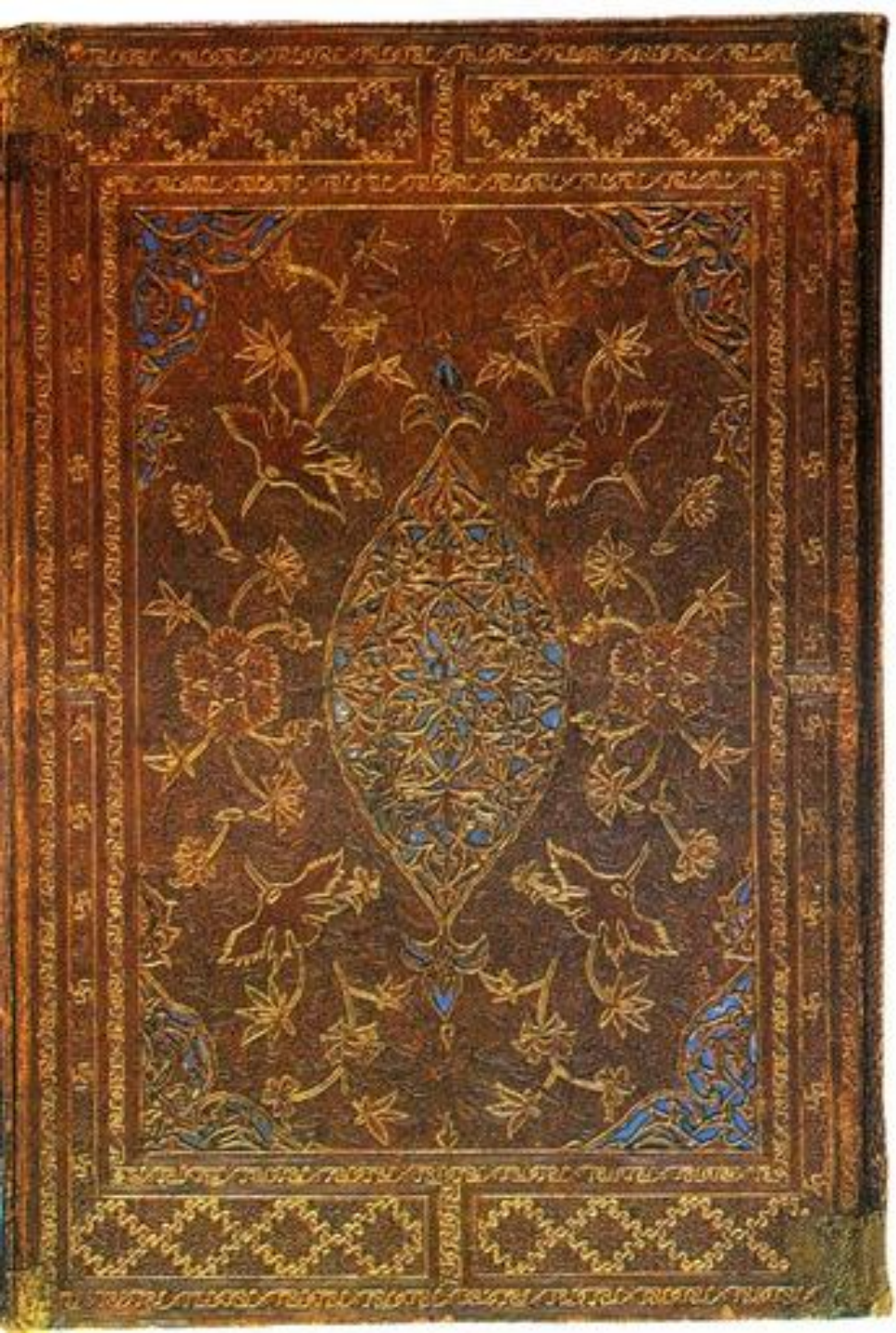
جلد سوخت

- در ساخت جلد سوخت، هنرمند نخست روی چرم را با مهارت تمام با وسایل مخصوص نازك کرده و به حالت استخوانی و برنگ تیره و سوخته در می آورد و اصطلاحاً چرم را رخ گیری می کند، سپس نقشهای دلخواه مانند: مینیاتور، تذهیب، تشعیر و... را به اشکال ترنج، سرترنج، لچکی و غیره طراحی نموده و این نقوش را بوسیله «نقش بر» از چرم جدا می سازد و بر روی چرم زمینه اصلی که پوست بزرگی است (بوم) به گونه ای تنگاتنگ کنار هم می نشاند، طوری که گویی چرمی يك تکه و یکسره است. به این کار معرق چرم می گویند.
- برای رنگ کردن پوست حاضر شده (چرم)، معمولاً از رنگهای سنتی، گیاهی، (پوست گردو، روناس، حنای قرمز دانه و شقایق کوهی و غیره)، رنگهای معدنی و طلای ناب (اشرفی) استفاده می شد. عصاره برخی از این رنگها از طریق سنتی گرفته می شود



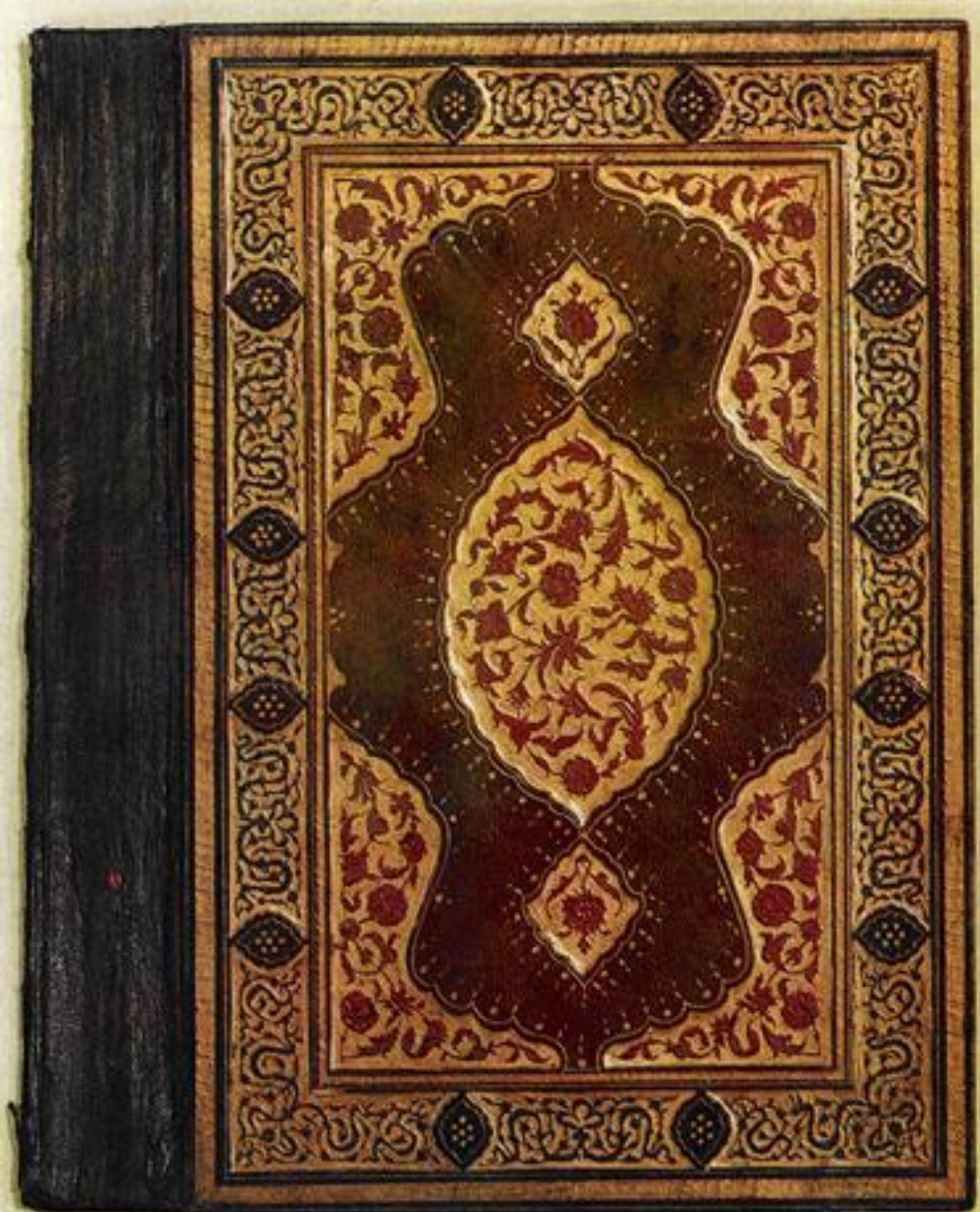


در هنر سوخت مذهب نخست با قلم، نقشه را روی کاغذ یا پشت
چرم طراحی می‌کند و سپس سوخت ساز با سعی و دقت زیاد به
وسیله «نقش بر» بوم آن را از نقش جدا ساخته و در محلی که
قبلاً لایه چینی و زمینه‌سازی شده، یا درون آن را قبلاً با رنگ یا
اطلس خوشرنگ آماده کرده می‌چسباند. بدیهی است که اگر
نقشه، روی کاغذ طراحی شده باشد باید ابتدا آن را پشت چرم یا
تیماج یا ساغری بچسباند، سپس به عملیات مزبور مبادرت کند.
گویا به این جهت آن را سوخت یا سوخته کاری می‌گویند که
اهالی اصفهان به رنگ تیره، سوخته می‌گویند، مثلاً به رنگ
قهوه ای سیر یا قهوه ای تیره، قهوه ای سوخته می‌گویند



جلد معرق

- در لغت، هر چیز رگه‌دار را معرق می‌گویند و در اصطلاح کتابسازان و مجلدان به جلدی گفته می‌شود که از قرار گرفتن و جفت کردن رگه‌های چند نوع چرم (مثلاً تیماج یا ساغری) در کنار هم دیگر به دست می‌آید. جلد معرق نیز مانند جلد سوخت است. به این شکل که نخست مذهب طرح مورد نظرش را بر پشت چرم یا تیماج یا ساغری طراحی می‌کند، سپس جلدساز بوسیلهٔ نقش بر، بوم و نقشه را از یکدیگر جدا می‌کند. سپس روی چرم یا تیماج یا ساغری که به رنگ دیگری قبلاً بریده و آماده کرده است می‌چسباند. چنانکه بعد از کار، بین چرم‌های ملون چسبیده شده هیچ فاصله یا درزی باقی نماند و مانند یک قطعه چرم یا تیماج ساده، نرم و هموار شود. چون طرح را با نقش بر می‌برند و چرم‌های مختلف را بصورت رگ رگ کنار هم می‌چسبانند و به شکل رگها و عروق در می‌آورند، ظاهراً به همین مناسبت، آن را معرق می‌گویند.





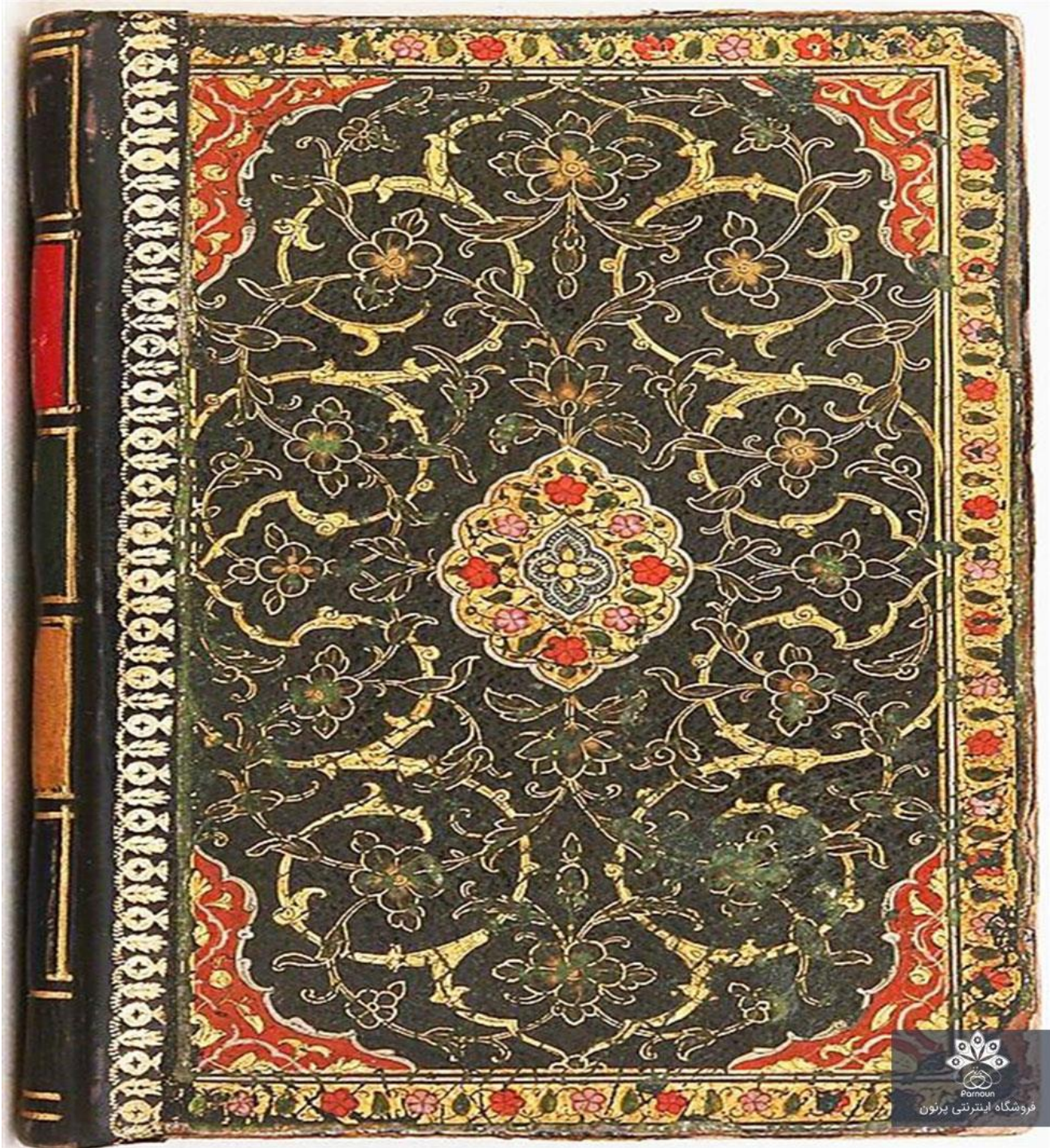
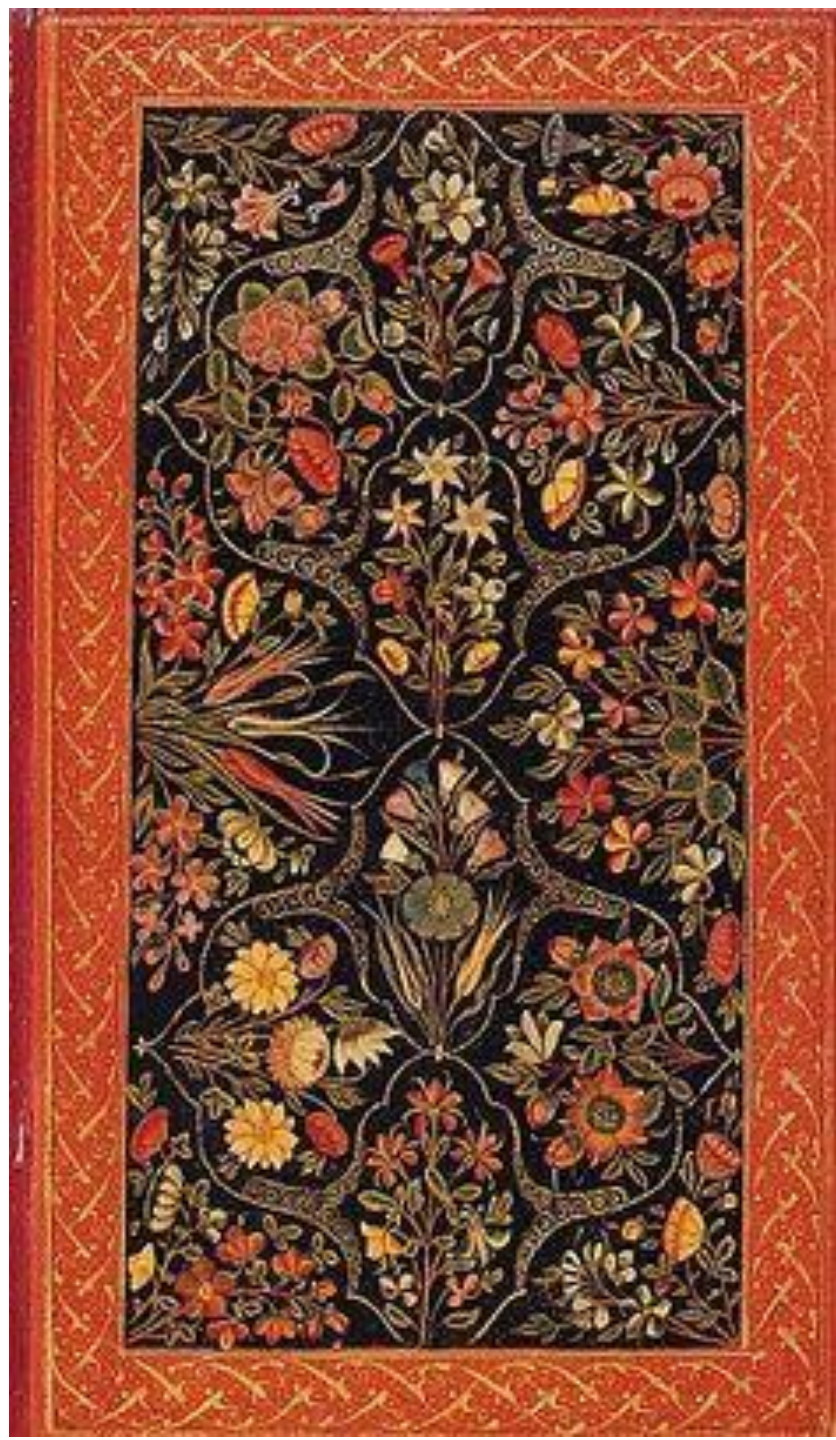
جلد سوزنی بوم چرمی

نوع دیگر، جلد سوزنی بوم چرمی است که زمینه آن کاملاً چرمی و سوزن دوزی شده است. طریقه ساختن آن به این صورت است که:

جلدساز نخست چرم را رنگ می‌کند و مهره می‌زند و به اندازه نیم سانتیمتر بزرگتر از اندازه قطع کتاب آن را می‌برد، سپس لبه‌های جلد را با شفره نازک می‌کند. پس از آن، با توجه به عطف کتاب، جلد را آنچنان تا می‌زند که روی رنگین و مهره زده آن درون جلد می‌شود، بعد از این بر روی کاغذ يك چهارم طرح اصلی را می‌کشد. سپس با چهار بار برگردانیدن و برداشتن يك چهارم طرح، نگاره‌ای از آن طرح، بصورت کامل بر روی جلد نقش می‌گیرد.

پس از آن بر روی خطوط طرح مزبور سوزن می‌زند تا کاغذ مذکور صورتی مشبك گونه گیرد. سپس کاغذ مزبور را بر روی پشت چرم (که روی جلد می‌شود) می‌چسباند و گل گیوه بر روی آن می‌مالد. با گذر گل گیوه از سوراخهای جای سوزن، طرح بر چرم منتقل می‌شود، بعد از این عمل، همه خطوط را سوزن دوزی می‌کند و سرانجام زمینه طرح را طوری با ابریشم رنگین سوزن دوزی می‌نماید که سر سوزن از پشت چرم بیرون نیاید و بخیه‌ها هماهنگ و متقارن باشد،

بعد از این، لبه نازک را برمی‌گرداند تا حاشیه‌ای از چرم، اطراف بخیه‌ها را بپوشاند، سپس با قلم زر کناره لبه‌ها را جدول می‌کشد و بنا به سلیقه خود درون جلد را نیز جدول بندی و تذهیب می‌کند.



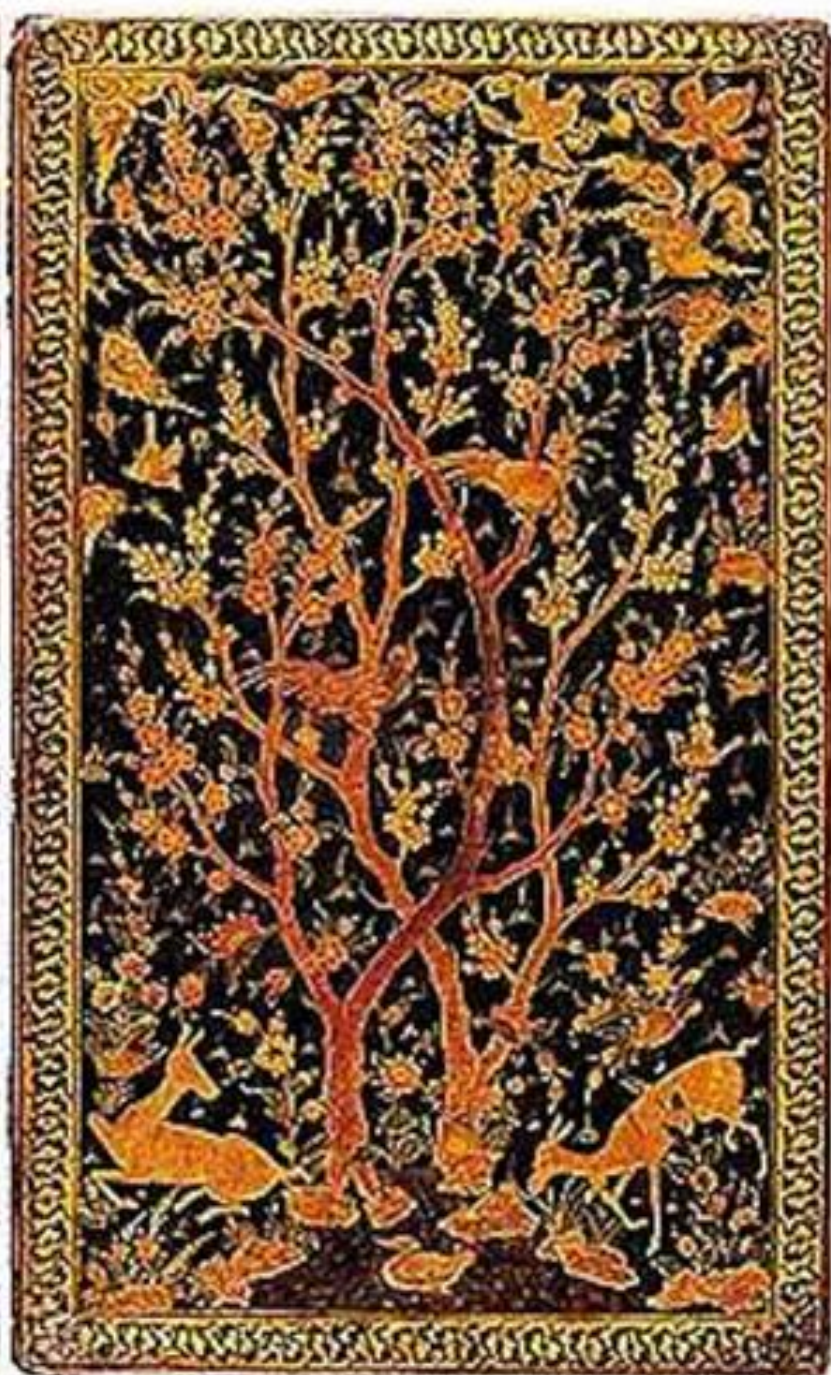
جلد روغنی

از جمله جلدهائی که بیشتر نگارشهای فارسی با آن جلد می شود، جلد روغنی است، جلدی که از سده نهم توسط جلدسازان وضع شده و رفته رفته گسترده شد و در سده های دوازدهم و سیزدهم به اوج کمال رسید.

طریقه ساختن این جلد به اینگونه است که نخست مقوا یا چرم، چوب و یا پارچه را به اندازه موردنظر آماده می کردند و روی آن را از بوم و گاهی بوم مُرغش (سولفور طبیعی براق) می پوشانیدند، و بر روی آن بنابر سلیقه خود، تذهیب و نقاشی می کردند.

پس از نقاشی، چند بار روی آن روغن کمان می زدند بطوری که روغن مذکور مانند قشری روی تذهیب و تصویر را فرا می گرفت و در عین حال این لایه روغن به طرح تابناکی و براقی می داد. در جلدهای روغنی عصر تیموریان بیشتر از نقوش گل و بوته و پرندگان و حیوانات استفاده می شد، ولی در عصر صفویه و قاجار به غیر از نقوش مذکور، از صورت و پیکر انسان و مجالس رزم و بزم نیز استفاده می شد و گاه آیات، اخبار و اشعاری (به مناسبت موضوع کتاب) نیز به جای نقوش مزبور در جلدهای روغنی دیده می شود.

در بیشتر موارد، مجلدان جلد روغنی، روی بیرون و درون هر يك طرف جلد را کار می کرده اند. در این صورت، آن را «جلد روغنی دو رو» می نامند. اگر در بوم جلد روغنی، مرغش استفاده شود، آن را «جلد روغنی مرغش» می نامند.



(تصویر ۷) جلد روغنی

جلد لاکی

این شیوه در دوره شاه طهماسب صفوی بوجود آمد. برای ایجاد اینگونه جلد ابتدا روی مقوا یا چوب نازک یک لایه نازک لاک می گرفتند. سپس لایه ای از گچ روی آن می کشیدند و طرح تزئینی را با آب و رنگ روی این زمینه نقاشی می کردند و برای حفاظت از این نقاشی روی نقاشی را با چندین ورقه از لاک می پوشاندند.



شیوه های ساخت جلد روغنی

- اسناد و مدارک موجود گواه بر آن است که در ابتدا مهم ترین موارد مصرف نقاشی زیر لاک تهیه **جلد کتاب** بوده است. در واقع مجلدگران ایرانی، بعد از آشنایی با شیوه های ساخت مقوا، به صرافت تهیه جلدهای روغنی به وسیله مقوای دست ساز افتادند.
- در شیوه اول آنها ابتدا چلوار را به سریش آغشته می کردند، سپس آن را به اندازه دلخواه چندلا نموده و با مشتم می کوبیدند و از آن مقوایی محکم و بادوام می ساختند که عمری فوق العاده زیاد داشت و به آسانی قابل قطعه قطعه شدن نبود.

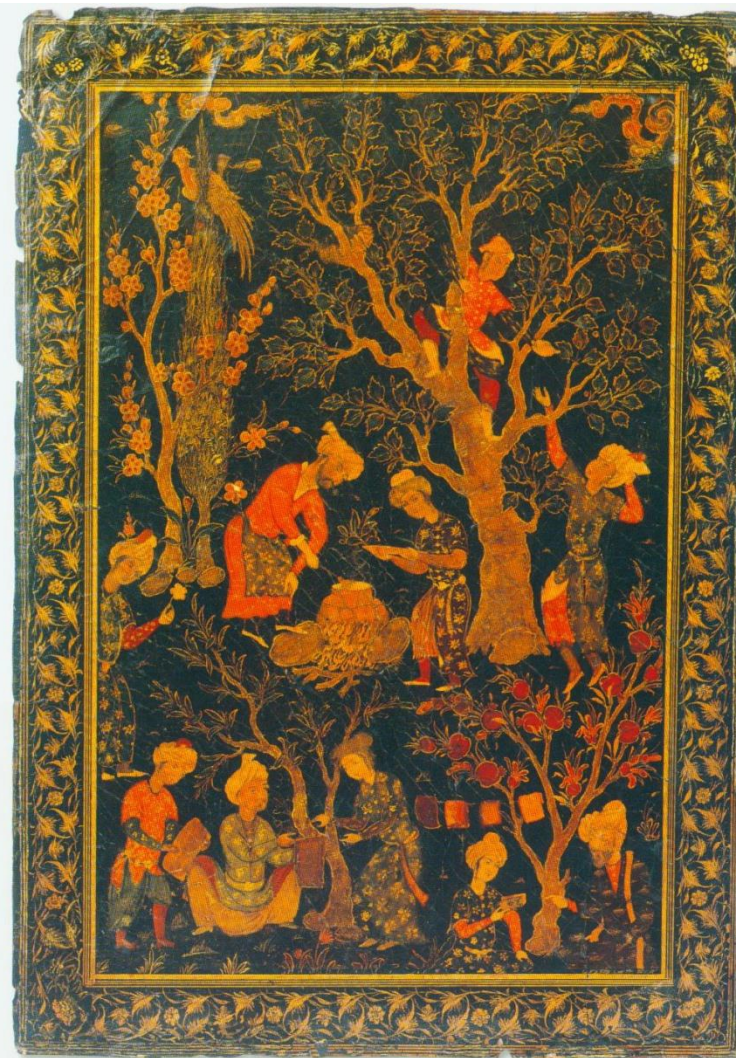
در روشی دیگر، ابتدا کاغذهای باطله و تکه های منسوجات پنبه ای را در حوضچه ای که در داخل آن مقدار زیادی «**شوره**» بود، می ریختند و سپس آنرا بوسیله پارو به هم می زدند و با کمک وسیله ای گوشت کوب مانند که به **کوبه** شهرت داشت آنرا می کوبیدند و هر بار مقداری **سریش** به آن می افزودند تا بصورت خمیری قهوه ای رنگ و چسبنده درآید.

سپس خمیر را از حوضچه خارج ساخته و مجدداً سریش به آن افزوده و ماده حاصله را در کیسه **پارچه ریز بافتی** می ریختند تا مقداری از آبش گرفته شود. آنگاه خمیر را روی پارچه ای که بر سطحی هموار می گستراندند می ریختند و با **ماله** ای چوبی آن را صاف و هموار می کردند و پس از خشک شدن، کاغذی ضخیم، اما نرم به دست می آوردند که به کاغذ «**پیزوری یا ذرتی**» شهرت داشت و دارای رنگ نخودی مایل به خاکستری و شبیه کاغذهای **خشک کن** امروزی بود

جلدسازان بعد از تهیه صفحات کاغذ، **چند**
برگ از آنها را بر روی یکدیگر می چسبانند
و با مشت می کوبیدند و به این طریق مقوایی
فشرده بدست می آوردند. آنگاه آن را به اندازه
دوطبله جلد چنان می بریدند که به غیر از
سمت **عطف**، از طرف های دیگر حدود پنج
میلی متر بزرگتر از اندازه صفحات کتاب
باشد. بعد پشت و روی آن را با سمباده می
زدند تا کاملاً صاف و هموار گردد.



6 outer cover



6 outer cover



64 back of case



64 front of case with shutter



64 inner face of shutter



65 front of case with shutter



65 back of case



65 inner face of shutter

سپس با سوهان نرم و رنده ریز، لبه هایش را
چنان می ساییدند که ضمن رسیدن به قطع و
اندازه دلخواه، تیزی گوشه هایش نیز گرفته
شود. در مرحله بعد، دو تکه چرم را که کمی
پهن تر از عطف کتاب بود آماده ساخته و
قسمت هایی از آن که ضروری بود، تا طبله
ها می چسبانند به گونه ای که چرم قسمت
عطف و سطح طبله های جلد، سطحی
یکنواخت داشته باشد.

مراحل زیر سازی

- بعد از انجام این مراحل بود که کار اصلی یعنی تزئین جلد آغاز می شد. برای این کار، ابتدا سطح کار را با رنگی متناسب و اکثراً زرد تیره یا یشمی، زیر سازی نموده و با روغن **کمان** که حاصل صمغ درخت سرو وحشی و روغن بزرک بود، می پوشاندند و قبل از آنکه روغن کاملاً خشک شود مقدار «**داریا**» که از **سنگ های کوارتز** و دارای رنگ های مختلفی است، سائیده و بر روی سطح کار می پاشیدند و سپس غلطکی چوبی بر روی آن می غلطاندند تا سوده ها در روغن کمان بنشینند و رویه جلد هموار گردد و در نهایت آن را مجدداً با روغن کمان می پوشاندند و برای تذهیب یا نقاشی در اختیار مینیاتور سازان و مذهبان قرار می دادند.

افرادی نظیر حاج یوسف، محمد زمان،
درویش علی اشرف، آقا ابوطالب، امامی،
حاج حسین مصور الملکی، حاج غلامحسین
تقوی و... از جمله کسانی بودند که طی
سالهای اخیر به تزئین، تذهیب و خطاطی
فرآورده های پاییه ماشه اشتغال داشتند.

برای تولید فرآورده های پاییه ماشه، امروزه
روش هایی اعمال می شود که اگر چه تا
حدودی به شیوه های سنتی تولید شبیه است،
ولی عمدتاً دارای تفاوت هایی نیز با آنچه در
گذشته اعمال می شد، است.

امروزه بسیاری از جلدهایی که در این هنر تهیه می شوند را به شکل تابلوی نقاشی، قاب و دیوارکوب استفاده می کنند، چون تهیه پایه ماشه دشوار است، اغلب **چوب** به جای آن به کار می رود، خاصه که امروزه می توان با وسایلی، چوب را از دگرگون شدن و ترک برداشتن حفظ کرد. درها و قاب های بزرگ را همیشه از چوب می ساختند. درهای نقش دار خانه ها در دوره صفویه همان قدر ارزش هنری داشت که تابلوهای نقاشی در غرب. تنها همانندی که برای آنها می توان یافت درهای ژاپنی است.

در صحافي مراحلې كه بايد فرا گرفت عبارتند از:

- شناخت مواد مورد نیاز و به کار گیری صحیح آن ها؛ - شکافتن، مرمت و جزوه بندي کتاب؛ -
- مراحل ته دوزي و ته بندي کتاب (کتاب سازي)؛ -
- آشنایی با ابزار آلات کتاب سازي
- جلدسازي، مرمت و... از جمله فعالیت هایی است
- که در صحافي سنتي انجام مي شود و يك مرمت
- گر حرفه اي بايد با تک جلدسازي، تذهيب و
- جدول کشي نیز آشنا و در اين زمینه ها مهارت
- کافي داشته باشد

در صحافي مراحلې که باید فرا گرفت عبارتند از:

- شناخت مواد مورد نیاز و به کار گیری صحیح آن ها؛
- شکافتن، مرمت و جزوه بندي کتاب؛
- مراحل ته دوزي و ته بندي کتاب (کتاب سازي)؛
- آشنایی با ابزار آلات کتاب سازي

جلدسازي، مرمت و... از جمله فعالیت هایی است که در صحافي سنتي انجام مي شود

يك مرمت گر حرفه‌اي باید با تك جلدسازي، تذهيب و جدول کشي نیز آشنا و در این زمینه ها مهارت كافي داشته باشد